



محمد هادی مدنی

دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران، پژوهشگر گروه اندیشه سیاسی پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

ساحل روملی حصار در اواسط قرن نوزدهم در ترکیه



توپای اسلام‌گرایان ترک

مهم‌ترین عاملی که تلاش‌های نظری و عملی اسلام‌گرایان ترک را برانگیخته و هدایت می‌کند این است که آن‌ها دارای اتوپیا یا تجربه‌ای اتوپایی هستند که از احساسات نوستالژیک تغذیه می‌شود. این اتوپیا برای ترک‌های اسلام‌گرا صرفاً موضوع احساسات نوستالژیک نیست، برعکس، به عنوان بخشی تعیین‌کننده از امت، نسخه‌ی رستاخیز این ملت و اکسیر بازگشت به روزهای سعادت‌تمند، رفیع و باشکوه قدیمی را در خود دارد. اگرچه اسلام‌گرایان ترک مانند دیگر اعضای امت اسلامی می‌گویند که مدینه‌ی پیامبر اکرم (ص) و عصر نبوی تنها مدینه‌ی فاضله و عصر سعادت برای آن‌هاست، اما این فقط بیان صادقانه و لازمه‌ی داشتن یک اعتقاد اسلامی است. از نظر روان‌شناسی و حافظه‌ی اجتماعی-سیاسی، وضعیت متفاوت است. شکی نیست که بین ملتی که تجربه‌ای را در گذشته خود نداشته، بلکه در مقطع خاصی از تاریخ به دلیل اعتقاداتش آن را مقدس دانسته و برای آن اهمیت قائل شده با ملتی که تجربه‌ای را در حافظه‌ی اجتماعی و سیاسی خود زیسته، ثبت کرده و نسل به نسل بدون وقفه انتقال داده فرق هست.

تصویر سعادت در اتوپای تاریخی

دوره‌ای که با اسکان ترک‌ها در آناتولی آغاز شد و در مرحله‌ی بعد، در قرن چهاردهم و شانزدهم، مصادف با مراحل تأسیس و توسعه‌ی امپراتوری عثمانی بود دوران طلایی و آرمان‌شهری اسلام‌گرایی ترک است. اسلام‌گرایان ترک این دوران را با اشتیاق گرامی داشته و به منزله‌ی عصر سعادت و جهش تمدنی خود به هر مناسبتی به آن می‌بالند.^۱ دلیل اینکه این دوره به عنوان عصر طلایی و اتوپایی تلقی می‌شود این است که آناتولی به موازات اسکان ترک‌ها در این سرزمین، به شکلی منحصر به فرد، تجربه‌ی کرده است. در این دوره، سبک خاصی از رابطه همراه با کارکردهای فراوان بین کسانی که اسلام را در آناتولی گسترش دادند و بازیگران سیاسی برقرار شده است. بنابراین، آنچه این تجربه را

منحصر به فرد کرده این بوده است که گروه‌های اجتماعی مذهبی با رسالتی ویژه و بازیگران سیاسی با جهت‌گرایی خاص همچون اجزای تعریف‌شده‌ی یک نظام و کل‌گرد هم‌آمده و با هماهنگی عمل کرده‌اند. این هماهنگی و کارکرد سیستمی که بر اساس جهان‌بینی اسلامی شکل گرفت، از نظر روانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به یک فضای سعادت‌تمند منجر شده است.

گروهی که ستون اجتماعی این نظام را تشکیل می‌دادند صوفیان و طریقت‌ها بودند. آن‌ها همواره با انگیزه‌ی جهاد با کفار در خط مقدم جنگیده، در مناطق فتح‌شده ساکن شده، نظام آموزشی را به دست گرفته، با روحیه و نقش همبستگی در زندگی اجتماعی شرکت نموده و با ایجاد شبکه‌های سازمان‌یافته عرفانی در گسترش و نهادینه‌سازی اسلام کوشیده‌اند.

پایه‌های فعالیت‌های طریقت‌های صوفی قبل از تأسیس امپراتوری عثمانی و با مهاجرت تعداد زیادی از صوفیان و عرفا از مناطق مختلف به آناتولی در این جغرافیا گذاشته شد. این عرفا و صوفیان با استقرار در روستاها یا مکان‌های کاملاً خالی و خلوت به کشاورزی و دامپروری می‌پرداختند و اطراف اقامتگاه‌های درویشی را که در کوه‌ها و دامنه‌های غیرقابل سکونت برپا می‌کردند نوسازی می‌کردند و برای سکونت مناسب می‌ساختند. صوفیان و عرفای مذکور همراه با رزمندگان در فتوحات شرکت می‌کردند. آن‌ها با ایجاد خانقاه‌های درویشی در کنار مرزها عملیات نظامیان را در زمان لشکرکشی‌ها بسیار آسان می‌نمودند. صوفیان به دلیل رفتار ایثارگرانه در زمان تأسیس دولت عثمانی مورد حمایت حاکمان قرار گرفتند. به آن‌ها رسماً گواهی سکونت در زمین‌هایی که ساخته بودند داده شد، برای برخی از آن‌ها خانقاه‌های درویشی جدید ایجاد گردید و بنیادهایی اختصاص داده شد. همچنین مقرر شد از برخی مالیات‌ها معاف شوند. معروف است که بسیاری از روستاها که در آناتولی پدید آمده‌اند نام خود را از این افراد گرفته‌اند.^۲

صوف و طریقت‌ها با این فعالیت‌ها در مسلمان شدن اقوام مختلف در

آناتولی مؤثر بوده‌اند. تحت حاکمیت سلاطین ترک، صوفیان یک فضای فرهنگی معنوی و بردبار و یک نظم اجتماعی پویا و متکثر همراه با روحیه‌ی همبستگی ایجاد کردند. تجربه‌ی زیسته‌ی اسلامی در آناتولی در این دوره همواره به عنوان تجربه‌ای منحصر به فرد توسط اسلام‌گرایان ترک بیان و به عنوان اسلام آناتولی مفهوم‌سازی شده است.

در کنار گروه‌های صوفی و عرفانی به عنوان رکن اجتماعی، رکن سیاسی سیستم در وهله‌ی اول توسط سلاطین سلجوقی آناتولی و در مرحله‌ی بعد توسط امپراتوری عثمانی تشکیل یافته است. با استفاده از سنت دولتی ترکان باستان، تجربه‌ی دولتی یونانیان و ایرانیان و اندیشه‌ی سیاسی اسلام سنی، شیوه‌ی مدیریت و تجربه‌ی این دو دولت در آناتولی منجر به تولد یک فرهنگ سیاسی ویژه و منحصر به فرد شده است. می‌توان گفت که تصور و تلقی اسلام‌گرایان ترک از دولت و حاکمیت به‌طور جدی تحت تأثیر این فرهنگ سیاسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین جنبه‌ی این فرهنگ سیاسی که دارای چندین مؤلفه‌ی مهم است دولت‌گرایی است.^۳ بر اساس این درک، مهم‌ترین نیازهای مادی و معنوی زندگی انسان تنها در صورت وجود دولت می‌تواند تأمین شود. این گزاره‌ای است که تاریخ سیاسی ترک آن را با رویدادهای واقعی ثابت کرده است. یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ترک که با دولت‌گرایی سازگار است این است که حاکمیت از خدا سرچشمه می‌گیرد. در هون‌ها، گوکتورک‌ها و اویغورها، که قبل از پذیرش اسلام در زمره‌ی دولت‌های ترک به‌شمار می‌رفتند، «قاغان یا خان» به عنوان حاکمان سیاسی قدرت خود را مستقیماً از خدای می‌گیرد. بنابراین، دین در رأس منابع مشروعیت سیاسی قرار دارد. در دوره‌ی عثمانی‌ها، همان‌طور که در سنت‌های ترکی بوده، سلطان حاکم مطلق اراده‌ی سیاسی و در عین حال مقدس است. این قداست به‌ویژه با گرفتن عنوان خلیفه توسط سلطان تقویت یافت و دولت یک نهاد مقدس تلقی شده است. داشتن عنوان خلیفه توسط سلطان فرهنگ سیاسی مبتنی بر اطاعت مطلق را نیز به وجود آورده است. یکی از مؤلفه‌های